

شاعران و ادیبان ایرانی در جای جای نظم و نثر خویش به
دهل (طبل) مقام‌ها و نوازندگان آن اشاره دارند سعدی و
مولوی از نوازنده دهل به عنوان دهل زن و منوچهری دامغانی
با نام تبیره زن یاد کرده‌اند:

تبیره زن بود طبل نخستین
شتربانان همی بندند محمل
سعدی:

جور رقیب و سرزنش اهل روزگار
با من همان حکایت گاو و دهل زن است
مولوی مرتبه دهل زن را در موسیقی نظامی تا پرچمداری

میدان نبرد پیش برده است:

منم آن مست دهل زن که شدم مست به میدان
دهل خویش چو پرچم به سر نیزه بیستم
و در این تعریف کار را بدانجا می‌رساند که قضا را هم
دهل زن می‌داند:

بین احتیاط کردند تا نشنوند ایشان
گویی قضا دهل زد بانگ دهل شنیدند
منوچهری دامغانی صدای دهل را با رعد برابر کرده است
که از پشت ابر سیاه سرگرم نواختن است:
میخ سبه بر قفاش تیغ برون آخته است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دهل

در

کلیات

موسیقی در ایران

• هوشنگ جاوید ادبیات

طبل فرو کوفته است، خشت بینداخته است
شاعران در اشعار خود به انواع ریتم ها و فرمانهای
مخصوص دهل زنی و مقام های مخصوص موسیقی دهل هم
اشاره دارند. ریتم جنگ و فراق (جدایی دو طرف) در شعر
مولوی:

طبل غزا برآمد و ز عشق لشگر آمد
کورستم سرآمد تا دست بر گشاید
طبل فراق می زنی، نای عراق می زنی
پرده بوسلیک را جفت حجاز می کنی
ریتم ندا (رحیل) در شعر مولوی:

چون طبل رحیل آمد و آواز جرس ها
ما رخت و قماشات بر افلاک کشیدیم
سعدی نیز در شعر خود از ریتم های دهل زنی نام می برد
و در شعرش به طبل ناهنگام زدن که با فریادهای جارچیان
توأم بوده و همواره خیر از اتفاق حمله ای، سارقی، خطری،
مجازاتنی و یا معجزتی یا سوگی اشاره دارد چندانکه مولانا نیز
به این امر یعنی فریاد کشیدن جارچیان در کنار دهل زنی آنان
اشاره می کند. سعدی:

امشب سبکتر می زنند این طبل بی هنگام را
یا وقت بیداری غلط بودست، مرغ بام را



مولوی:

بس کن و طبل کم زن کاندین باغ و گلشن
هست پهلوی طبلش بیست نعل دیگر
ضرب المثل هایی که شاعران در شعر خود به دهل نسبت
داده اند تا امروز به گونه ای در فرهنگ مردم به کار برده شده و
می شود، مصداق مثل هایی چون: طبل تهی، آواز دهل
شنیدن از دور، دهل زیر گلیم و ...

سعدی:

دستگاهی نه که در پای توریزم چون خاک
حاصل آن است که چون طبل تهی پر بادم

مولوی:

به غیر عشق آواز دهل بود
هر آوازی که در عالم شنیدم
حافظ:

دلگرفت ز سالوس و طبل زیر گلیم
به آنکه بر در میخانه بر کشم علمی

سعدی:

سعدیا عشق نیامیزد و هفت با هم
چند پنهان کنی آواز دهل زیر گلیم

در ادبیات نمایشی ایران، تمزیه بیشترین استفاده از دهل را
هم در اجرای موسیقی و هم در متن شعرها دارد که به
نمونه هایی اشاره می کنیم:

در واقعه غروب عاشورا و شام غریبان «زینب پوش»
نمایش چنین می خوانند:

خبر نداری تو ای برادر

که سوی خیمه کشیده لشگر

صدای طبل و نقاره و نی

به جان زارم زده شراره

در «زره پوشی» نقش حرابین ریاحی چنین می خوانند:

عرق چین خود زیر ... نهم

که خود نیز چون سایه بر او برنهم

چو خودی که در شام و روم و فرنگ

گرو مانده در نزد من روز جنگ

نوازید طبل طلاکوب را

نوازید سنج پر آشوب را

ساختمان و طرز ساخت دهل

دهل سازی است استوانه ای شکل که هر دو سوی دهانه آن
با پوست پوشیده می شود و بر دو نقطه بدنه استوانه دو انتهای
تسمه ای از جنس چرم ثابت شده که به گردن آویخته می شود
و به هنگام نواختن، ساز تقریباً روی سینه نوازنده در ناحیه
جلوی شکم قرار می گیرد به گونه ای که سطوح پوست دار در
جوانب چپ و راست واقع می شوند. این وسیله با دو چوب
نواخته می شود، یکی از این چوب ها که کلفت تر و صیقلی
می باشد و عصایی شکل است کجک (Kajak) و چوب

دیگر که باریک و بلند است ترکه (Tarkeh) نام دارد.

برای ساخت بدنه استوانه ای و النگویی شکل دهل که به
آن کمه (kame) نیز می گویند از چوب درخت «توت»،
«به» یا «گردو» استفاده می شود که به طور حتم باید یکپارچه و
بدون تکه تکه باشد و سازنده باید آنرا طوری بتراشد که ترک
برندارد. پس از آماده شدن استوانه، اغلب خود نوازندگان
آن را پوست می کشند.

برای تهیه پوست دهل از پوست بز، گوسفند یا گرگ
استفاده می شود، اما بهترین پوست برای دهل از انبان
(مشک) های کار کرده (و نه فرسوده) است، انبانی که از
پوست گرگ تهیه شده عالیترین جنس به حساب می آید، چرا
که معتقدند بهترین صدا را ایجاد می کند، پس از آنکه انبان
بدست آمد آن را یک روز یا بیشتر در آب قرار می دهند، بعد از
خیس خوردن کامل، انبان از طرف شکم پاره کرده و به دور
چوب های نازکی می پیچند تا هنگام قرار گرفتن مجدد در آب
نرم تر گردد. سپس با آهک و زرنیخ موی روی پوست را زایل
می کنند، سپس پوست بدست آمده را در آفتاب خشک
می کنند تا از روی حالت خشکی آن میزان سفتی و ایستایی
آن را بدست آورند، که آیا در مقابل ضربات کجک دوام
می آورد یا خیر.

پس از اطمینان از جنس پوست دوباره آن را خیس نموده و
به روی استوانه دهل می کشند و با طناب هایی که از
کناره پوست می گذارند و روی «کمه» گره می زنند، میزان
زیر و بم صدای دهل یا در اصطلاح شل و سفتی پوست را
کنترل می نمایند.

چوب کجک را به تناسب از درخت بلوط، زردآلو و یا
درختی از خانواده «ارس» می سازند، به این شکل که شاخه
بلندی را انتخاب کرده می برند و دو تا سه روز آن را در آب
قرار می دهند. سپس شاخه را از آب بیرون آورده و به وسیله
طنابی آن را به دور تنه درختی جوان و یا ستون متوسطی
محکم می پیچند. پس از یک یا دو هفته که چوب خشک شد
طناب ها را باز کرده و کجک را از چوب پیچیده برده و
صیقلی می کنند تا به هنگام نواختن، پوست را ندراند.

پوست چوب تر که را نیز از ترکه آلبالو، به یا گیلان
است می کنند و با دمبه چربش می نمایند. بعد در یک سر آن
بوسیله پلاستیک یا چرم جای انگشت ها را می سازند به این
ترتیب دهل آماده نواختن می شود.

طرز نواختن

برای نواختن، دهل در جلوی سینه قرار می گیرد. کجک
در مشت یک دست نوازنده و ترکه روی چهار انگشت دست
دیگر نوازنده با ضربه های کجک و ارتعاش ترکه روی پوست
دهل به صدا درمی آید. اغلب در صورتی که با چوب
نواخته می شود بطور ایستاده آن را می نوازند، دهل کوچک
را با دست و بطور نشسته می نوازند.

کجک، مخصوص اجرای ضرب های قوی است و صدای بم دهل حاصل نواختن کجک به میانه پوست است و ارتعاشات تر که روی پوست صداهای «تریل» مانند را تولید می کند. صدای این ساز ارتفاع نامعین دارد.

□ «انواع دهل در ایران و آسیا»

تیمبوک (Timbok) : دهل کوچکتر از دهل های رایج دهلک و دهلک نال (Do-Doholak holaknal) : دهل دو طرفه کوچک و بدنه بلند که به همراهی سورنا و دونلی در موسیقی بلوچستان به کار می رود.

دهل رحمانی - لیوا (Dohol Rahmani liva) : مخصوص مراسمی به نام «لیوا» است.

دمام (Dammam) : دهل دو طرفه کوچکی که با دست نواخته می شود و انواع آن عبارتند از دمام غمبیر و دمام اشکون، که در موسیقی یوشهر به کار می روند.

گپ دهل (Gap Dohol) و پیپه (Pipe) : یک سوی آن را با دست و سوی دیگر را با چوب می نوازند. به گپ دهل، «مار ساز» هم می گویند.

جوره - کسر (Jorre-Kasr) : دهل های مخصوص ایجاد واریاسیون ریتمیک که در موسیقی هرمزگان به کار می روند تاپون (Tapon) طبل که با دست می نوازند.

کلاون تات (Kelaventat) : دهل که با چوب نواخته می شود و در موسیقی تایلند به کار می رود.

مادال (Madal) : طبل دو سویه ای در موسیقی نپال که یک سوی آن باریکتر از سوی دیگر است و تسمه های روی آن صدا را تنظیم می کند و همزمان با دو دست نواخته می شود در نواحی غربی نپال نوع کوچک آنرا پوتی (Poti) به معنای ساده، و در نواحی شرقی نوع بزرگ آن بنام بهال (Behal) به معنای نر، را مورد استفاده قرار می گیرد.

گندنگ (Gendang) : طبل دو طرفه ای که با دست نواخته می شود و مخصوص مالزی است.

کوندو (Kondo) : دهل به شکل ساعت شنی در موسیقی گینه نواست.



دوبات (Dubat) : طبل دو طرفه ای که یک سوی آن باریکتر از سوی دیگر است و با پوست گاو پوشیده شده و با انگشتان و قسمتی از کف دست می نوازند و در موسیقی برمه جایگاه خاصی دارد.

و نهایت آنکه در سرتاسر آسیا این شعر مولانا را به همراه آواز دهل ها می توان شنید که :

بگویند دهل ها و دگر هیچ مگویند
چه جای دل و عقل است که جان نیز رمیدست.

□ چلب:

در صفحه ۱۴۶ ص ۱۷۸ دیوان منوچهری دامغانی آمده است :

در کف من نه نیند، پیشتر از آفتاب

نیز چه سوزم بخور، نیز چه بومیم گلاب

می زدگان را دوا باشد قطره شراب

باشد بوی بخور، بوی بخار کباب

آخته چنگ و چلب، ساخته چنگ و رباب

دیده به شکر لبان، گوش به شکر توین

چلب (بر وزن حلب) سازی است از خانواده آلات

موسیقی ضربی از رده به کار می رفته است هم اکنون بنام سنج و سمبال در ارکسترهای بزرگ نیز مورد استفاده است.

فرخی سیستانی سروده :

اندر آن میدان که شیران دو لشکر صف کشند

و آسمان از برهمی خواند برایشان اقرب

چشمه روشن نیند دیده، از گرد سپاه

بانگ تندر نشود گوش، از غو کوس و چلب

آندراج نوشته است : «چلب - دو طبق پهن که از برنج

سازند و برهم زنند.

در چنگ ها و عروسی ها متداول است و آن را سنج

گویند ...»

فردوسی سروده :

چو یک پاس بگذشت از نیمه شب

ز پیش اندر آمد خروش چلب

نوع دیگر آن : چهار صفحه مدور فلزی کوچک است که

رقاصان هر دو عدد از آنها را بر انگشتان یک دست می بندد و

اصول موسیقی را با زدن آنها به یکدیگر حفظ می کنند - به این

ساز، زنگ یا نال نیز می گویند - این همان سازی است که

منوچهری در شعر خود بدان اشاره کرده است :

آخته چنگ و چلب، ساخته چنگ و رباب

که معنای بیت بر این تقریب تواند بود : چنگ و رباب و

چلب در چنگ رامشگران به نیکوئی ساخته و آخته، یعنی

همنوا و بسامان شده بودند. برای نواختن آهنگ

«شکر توین». در تداول عامه رقص همراه با چلب «رقص

چپ چپ» (به کسر ج) گفته می شده است. (رک :

سرگذشت موسیقی ایران - ج اول)